

پایه نوبه و انابت و نوبت از منامی باشد مینا دقت فهم  
و صنای ذهن باشد زجا به رقت قلب و اقتیاس نور بخیا  
وسکر و لطافت طبع و ادراک باشد کمال فراست و غیر  
و قوت باشد که بر بیاضت و ضعف و مناسبت باشد  
عقبی نجای و کرم باشد با قوت عدالت و حقانیت باشد  
فیروزه طاعت و عبادت و اطاعت باشد لاجورد و درج و تقوی  
و اجتناب از منامی باشد ز مردم غفّت و پاک باشد بلور کلمت  
طبیعی و خفت و شائرت و احیاناً انابت باشد لعل طبع الهی  
و محبت حقیقی و تقرب و تقیّی و عزّت باشد مروارید حقایق نورید  
و صنای باطن و منزه عیب و ادراک معارف باشد در صفت  
اخلاص و راستی باشد نوره صفت صدق و کلمت گفتار باشد

و گاه باشد که لعل و یا قوت و عینی صفات در او باشند و گویا  
صفت نیر باشد و زجا به مثلون صفات اطوار دل باشد و نوره  
مسکوک شریعت و رواج باشد و زرق و قار و نمکین و غریز باشد  
اما لوزه و کاسه و نیم کاسه صفات قلّت ادراک و عدم مشرب  
حقایق و بی اعتباری و دون ممتنی باشد زخم و غمزه صفت  
مشرب و ادراک و قابلیت فیض باشد زمین سخن و پاک صفت  
قوة بدن و قابلیت تزیینت باشد زمینی نرم صفت ضعف  
بدن باشد حال نرم صفت تواضع و مسکنت و عدم انانیت  
و احیثان نفسی باشد در یک نرم صفت متابعت و اطاعت باشد  
و گاه صفت نوره و تلون و بی ثباتی باشد و المعبر عمیق تا کمالی  
مخالف السائل **عبدان ای عزیز** که بقیّی و قوت می باید داشت که